

بررسی میزان خلاقیت در دانشجویان ورودی و خروجی دانشگاه‌های دولتی (مطالعه موردی: استان مازندران)

محمد مهدی مردان‌شاهی*، محمد حسن بهارکی** و غزاله تاجیک اسماعیلی***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و مقایسه ویژگی خلاقیت، یکی از ویژگی‌هایی مؤثر در توانمندی‌های کارآفرینانه، در میان دانشجویان دانشگاه‌های دولتی مازندران انجام شد. برای این منظور ۳۹۴ نفر دانشجوی کارشناسی پیوسته به روش تصادفی و با استفاده از جدول کرجسی و مورگان انتخاب شدند. پرسشنامه پژوهش میان دانشجویان مورد مطالعه ابتدا در سال اول تحصیل (خروجی نظام آموزش و پرورش و ورودی نظام آموزش عالی) و سپس در سال آخر تحصیل (خروجی نظام آموزش عالی) توزیع شد. پس از بررسی ویژگی خلاقیت و اجزای اصلی آن و استفاده از آزمون T، نتایج نشان داد که بین دو گروه مورد پژوهش در ویژگی‌های سلاست فکری، عمل‌گرایی و رؤیاءپردازی و در نهایت ویژگی خلاقیت اختلاف معناداری وجود دارد. همچنین میانگین این ویژگی‌ها در دانشجویان ورودی (۶۹/۶۹۵۴) و خروجی (۶۷/۶۲۹۴) نشان داد که میزان خلاقیت دانشجویان در سال آخر تحصیل به نسبت سال اول تحصیل کم‌تر بوده است. به این دلیل با توجه به اهمیت کارآفرینی و نقش آن بر رشد و توسعه جوامع و همچنین نقش دانشگاه‌ها در این خصوص، برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر مناسب برای اصلاح روند موجود ضروری است.

کلیدواژه‌ها

ویژگی کارآفرینانه؛ خلاقیت؛ دانشجویان ورودی؛ دانشجویان خروجی؛ دانشگاه دولتی مازندران

*نویسنده مسئول: دکتری علوم تربیتی (مرکز کارآفرینی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری)
mehdy1352@yahoo.com

**دانشیار دانشگاه تهران

***استادیار دانشگاه خوارزمی تهران

مقدمه و بیان مسأله

امروزه دانشجویان از مؤسسه‌های آموزش عالی فارغ التحصیل شده و وارد محیطی می‌شوند که به سرعت در حال تغییر است. فنآوری و عوامل مرتبط با آن، هر روز دنیای فرصت‌های شغلی را تغییر و مشاغل جدیدی را ایجاد می‌کنند (کولینس^۱ و همکاران، ۲۰۰۴). از سوی دیگر وضعیت اقتصادی و ترکیب جمعیتی امروزه بیش از پیش ما را به یافتن راه‌حل‌های برای مشکلات پیش‌رو نیازمند می‌کند و در این راستا داشتن الگو و راه کار مناسب برای آموزش، تربیت و استفاده بهینه از نیروی فعال و کارآفرین ضرورت دارد (طیبی و فخری، ۱۳۸۹). از آنجا که این امر، مشکلی اجتماعی و اقتصادی است و ممکن است در آینده به یک «بحران» تبدیل شود، برای برطرف کردن آن به برنامه‌ریزی درست و هماهنگ نیاز است (شریف زاده و همکاران، ۱۳۸۸). برنامه‌هایی برای تشویق دانشجویان به کارآفرین شدن و شناخت عوامل و فرایندهای تصمیم‌سازی ضروری است که به کارآفرین شدن آن‌ها منجر می‌شود (انگل^۲ و همکاران، ۲۰۱۰). شناخت عوامل مؤثر در کارآفرینی، که دانشجویان را در ارائه ایده‌ها و راه‌حل‌های جدید برای حل مسائل و مواجهه با تغییرات مستمر توانمند کند، شناخت تغییرات سریع محیطی و دگرگونی‌های اجتناب‌ناپذیر و پرشتابی که تنها افراد توانمند، توان پیش‌بینی و مواجهه با آن را دارند و برای این توانمندی بهره‌مندی از خلاقیت امری اجتناب‌ناپذیر است. به همین دلیل در این پژوهش در نظر بود تا ویژگی خلاقیت که شامل توانایی خلق ایده‌ها و پاسخ‌های جدید و غیر عادی است (فورنهام و بکتیار^۳، ۲۰۰۸)، به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مؤثر در توانمندی‌های کارآفرینانه دانشجویان، بررسی و مقایسه شود. به همین دلیل پژوهشگر در این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال‌ها بود:

الف) ویژگی خلاقیت در دانشجویان ورودی و خروجی چگونه است؟

ب) آیا میان ویژگی خلاقیت در دانشجویان ورودی و خروجی رابطه وجود دارد؟

پس از پر رنگ شدن نقش کارآفرینان در توسعه اقتصادی، روان‌شناسان با ارائه نظریه‌های مبتنی بر ویژگی‌های شخصیتی و تفاوت قایل شدن بین کارآفرینان و مدیران غیر کارآفرین،

-
1. Collins
 2. Engle
 3. Furnham & Bachtiar



ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینان را بررسی کردند (کرباسی و همکاران، ۱۳۸۱). بر طبق نگرش روان‌شناختی، ویژگی‌های شخصیتی مشخص و معینی افراد را برای کارآفرینی آماده می‌کند. این رویکرد، که برخی به آن مکتب انسانی کارآفرینی نیز می‌گویند، کارآفرینان را افرادی ویژه با خصوصیات شخصیتی خاص می‌داند (ذبیحی و مقدسی، ۱۳۸۵). رویکرد ویژگی‌های شخصیتی به این فرضیه تأکید می‌کند که کارآفرینان ویژگی‌ها، دیدگاه‌ها، و ارزش‌هایی دارند و یک نیروی محرک برای آن‌ها فراهم می‌کند که آن‌ها را از دیگران متمایز می‌کنند (گورل و اتسان^۱، ۲۰۰۶). پیشینه مطالعات کارآفرینی نیز اشاره دارد که کارآفرینان دارای ویژگی‌های مخصوصی هستند (ماتویک^۲، ۲۰۱۰). این رویکرد (رویکرد ویژگی‌های شخصیتی) در مقایسه با سایر رویکردهای کارآفرینی رواج بیشتری نیز دارد (کروزیک و پاویک^۳، ۲۰۱۰). به همین دلیل در خصوص ویژگی‌های کارآفرینان پژوهش‌های گوناگونی انجام شده است و روان‌شناسان سعی دارند تا توانایی‌های بالقوه مؤثر بر کارآفرین شدن افراد را معین کنند. به همین دلیل در این پژوهش یکی از ویژگی‌های کلیدی روان‌شناختی کارآفرینان (خلاقیت) بررسی شد که اغلب درباره آن هم نظر هستند.

صاحب‌نظران هر یک به گونه‌ای خلاقیت^۴ را تعریف کرده‌اند. خلاقیت عبارت است از توانایی تلفیق ایده‌ها به شیوه‌ای منحصر به فرد برای برقراری ارتباط غیرمعمول بین ایده‌های مختلف (هولت^۵، ۲۰۰۲). یا خلاقیت همان توانایی خلق فکرهای جدید است که این فکرها ممکن است به محصولات یا خدمات جدید نیز منجر شود (احمدپور داریانی و عزیززی، ۱۳۸۳). تورنس^۶ فرایند (حساس شدن به مسائل، نقص‌ها، پیدا کردن نقاط مبهم در معلومات، مشخص کردن مشکل، جستجو برای راه حل، حدس زدن و صورت‌بندی فرضیه‌ها درباره نواقص، آزمون فرضیه‌ها، تغییر در فرضیه‌ها و آزمون مجدد آن‌ها و در نهایت اتصال عناصر مختلف به یکدیگر) را خلاقیت می‌شمارد (تسبیح‌سازان، ۱۳۸۰: ۱۹). هیگینز نیز در خصوص اهمیت خلاقیت معتقد است که حل مسائل و پیگیری فرصت‌ها به راه‌حل‌هایی نیاز دارد که

1. Gurol & Atsan
2. Matviuk
3. Kruzic & Pavic
4. Creativit
5. Holt
6. Torrance

بسیاری از آن‌ها ممکن است مختص یک وضعیت خاص باشند. بنابراین خلاقیت و نوآوری^۱ حاصل از آن، برای بقاء و موفقیت شرکت امری حیاتی است (هیگینز^۲، ۱۳۸۱) و آنچه سبب ایجاد نوآوری و پدید آمدن محصولات جدید و خدمات نو می‌شود، ایده‌های خلاق و کشف راه‌های جدید در نگاه به مشکلات و فرصت‌ها است. (سعیدی‌کیا، ۱۳۸۷). از سوی دیگر کارآفرینی نتیجه فرآیند منظم و سیستماتیک کاربرد خلاقیت و نوآوری برای نیازها و فرصت‌ها در بازار است (زیممرر و اسکاربرو^۳، ۲۰۰۵). که بی‌شک خلاقیت و نوآوری مهم‌ترین ویژگی یک فرد کارآفرین است و عوامل گوناگونی در بروز خلاقیت تأثیر می‌گذارد (کرد نایج و همکاران، ۱۳۸۶). از جمله افراد خلاق بخش عمده‌ای از وقت و انرژی خود را صرف توجه دقیق به اطراف خود می‌کند (مشبکی، ۱۳۸۰). هوارد^۴ در پژوهشی در سال ۲۰۰۴، در خصوص پرورش قابلیت‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان نتیجه می‌گیرد که رابطه‌ای مستقیم بین قابلیت‌های کارآفرینی (استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی و خلاقیت) و توانایی کارآفرینی افراد وجود دارد (جعفری مقدم و اعتمادی، ۱۳۸۸). بدری نیز در پژوهشی در خصوص قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان نتیجه می‌گیرد که قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان (شامل استقلال‌طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت) بالاتر از میانگین است و بین قابلیت کارآفرینی دانشجویان سال اول و سال آخر تفاوت معناداری وجود دارد (بدری، ۱۳۸۴). زالی^۵ (۱۳۸۴) در پژوهشی در خصوص مشخصه‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه مازندران نتیجه می‌گیرد که ۵ خصیصه توفیق‌طلبی، استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری، خلاقیت و عزم و اراده در میان دانشجویان به میزان کمی وجود دارد. جعفری مقدم و اعتمادی (۱۳۸۸) با ارزیابی مقایسه‌ای نگرش کارآفرینانه دانشجویان، نتیجه می‌گیرند که نگرش دانشجویان مدیریت کارآفرینی دانشگاه تهران نسبت به ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی (نیاز به موفقیت، کنترل درونی، ریسک‌پذیری، تحمل ابهام و خلاقیت) پس از ۲ سال بهبود یافته است (جعفری مقدم و اعتمادی، ۱۳۸۸). سوختانلو و همکاران (۲۰۰۹) با ارزیابی و مقایسه قابلیت روان‌شناختی اثرگذار بر سطح کارآفرینی دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران

1. Innovation
2. Higgins
3. Zimmerer & Scarborough
4. Howard



نشان دادند که سطوح و دوره‌های دانشگاهی مختلف، سطح قابلیت کارآفرینی دانشجویان کشاورزی را افزایش نمی‌دهد (سوختانلو و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۷۵). نتایج پژوهش کرمی و همکاران (۱۳۹۱) در دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی نشان می‌دهد که دانشجویان مورد مطالعه از خلاقیت متوسطی بهره‌مند هستند و رابطه معنادار و مثبتی بین سبک‌های تفکر دانشجویان با خلاقیت وجود دارد. همچنین امینی و همکاران (۱۳۹۲) نیز با ارزیابی قابلیت کارآفرینی دانشجویان دانشگاه کاشان نتیجه می‌گیرند که میان دانشجویان دختر و پسر در نمره کارآفرینی و شاخص‌های ریسک‌پذیری و خلاقیت تفاوت معناداری وجود دارد و همچنین میان دانشجویان سال اول و چهارم از نظر میزان بهره‌مندی از قابلیت‌های کارآفرینی تفاوت معناداری وجود ندارد (امینی و همکاران، ۱۳۹۲).

همان‌طور که اشاره شد تعاریف متعددی از خلاقیت بیان شده است که خود نشان دهنده گستردگی مفهوم آن است و بررسی دقیق‌تر آن را قدری دشوارتر می‌کند، لذا برای سنجش‌پذیر شدن آن ضروری است تا اجزای آن شناسایی و بررسی شود.

خلاقیت در سه عامل طبقه‌بندی شده است. یعنی خلاقیت به صورت یک خصیصه واحد نبوده و شامل خصیصه‌های فرعی مجزا و شناخته‌شده‌ای است. پس از مشورت با خبرگان کارآفرینی، خلاقیت و روان‌شناسی، این سه خصیصه «ابتکار عمل یا نوآوری»، «رؤیابرداری» و «سلاست فکری» نام گرفتند (کردنائیج و همکاران، ۱۳۸۶). سپس در راستای تهیه ابزار سنجش ویژگی‌های شخصیتی پس از اصلاح پرسشنامه‌ها، تحلیل عاملی و در نهایت تفسیر و نامگذاری عامل‌ها، مجموعه پرسش‌هایی که به گونه مشترک با یک عامل همبسته بودند و تشکیل یک پاره تست را می‌دهند، به شرح زیر نام‌گذاری شد؛ عمل‌گرایی، رؤیابرداری و سلاست فکری (کردنائیج و همکاران، ۱۳۸۶). به عبارتی دیگر خلاقیت به سه عامل تقسیم شد؛ اول در حیطه خیالی (رؤیا پردازی)، دوم در حوزه فکری (سلاست فکری) و سوم در قلمرو عملی (عمل‌گرایی) (کردنائیج و همکاران، ۱۳۸۶).

روش

جامعه مورد مطالعه کلیه دانشجویان کارشناسی پیوسته بدو ورود (حداکثر سال اول) و در حال فراغت از تحصیل (حداقل سال آخر) دانشگاه‌های دولتی (دانشگاه‌های علوم کشاورزی

ساری، فنی و مهندسی بابل، مازندران [بابلسر]) بودند که به صورت تمام وقت به تحصیل اشتغال داشتند، که با توجه به میزان جامعه مورد نظر (حجم جامعه دانشجویان ۳۳۶۴) به روش تصادفی و با استفاده از جدول کرجسی و مورگان و به منظور کاهش خطا با افزایش تعداد نمونه، ۳۹۴ نفر انتخاب شدند.

ابزار اندازه‌گیری و گردآوری اطلاعات ۱ در این پژوهش به شرح زیر بود:

علاوه بر روش کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع علمی، پژوهشی و اینترنت، از روش میدانی و ابزار پرسشنامه استاندارد شده (سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی تهیه شده توسط حیدر علی هومن و همکاران) برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. پرسشنامه این پژوهش شامل ۲۷ سؤال (۱۳ سؤال برای سنجش سلاست فکری، ۸ سؤال برای سنجش عمل‌گرایی و ۷ سؤال دیگر نیز برای سنجش رؤیایپردازی) با طیف لیکرت چهار گزینه‌ای با گزینه‌های کاملاً موافقم، نسبتاً موافقم، نسبتاً مخالفم و کاملاً مخالفم است. روایی پرسشنامه را متخصصان تأیید کردند و اعتبار پرسشنامه نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ^۲ محاسبه و اعتبار آن به میزان ۰/۹۲ تأیید شد. برای محاسبه امتیاز پاسخگویان در مورد هر یک از موارد به شیوه جدول ۱ عمل شد:

جدول ۱: نحوه محاسبه امتیاز پاسخگویان

مورد	بسیار ضعیف	ضعیف	قوی	بسیار قوی
رؤیایپردازی	۷-۱۹	۱۹-۲۱	۲۱-۲۳	۲۳-۲۸
عمل‌گرایی	۸-۲۵	۲۵-۲۸	۲۸-۳۰	۳۰-۳۲
سلاست فکری	۱۳-۳۴	۳۴-۴۸	۴۸-۵۳	۵۳-۶۰
خلاقیت	۲۸-۷۸	۷۸-۹۷	۹۷-۱۰۶	۱۰۶-۱۲۰

1. Measuring instruments and Data collection
2. Cronbach - alpha



یافته‌ها

جدول ۲: توزیع فراوانی جامعه مورد مطالعه بر اساس ویژگی‌ها

ویژگی	بسیار ضعیف		ضعیف		قوی		بسیار قوی	
	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی
سلاست فکری سال اول	۱۶۹	٪۴۲.۹	۲۱۴	٪۵۴.۳	۱۱	٪۲.۸		
سلاست فکری سال آخر	۱۸۰	٪۴۵.۷	۲۰۰	٪۵۰.۸	۱۴	٪۳.۵		
عمل‌گرایی سال اول	۲۵۲	٪۶۴	۱۴۱	٪۳۵.۷۵	۱	٪۰.۲۵		
عمل‌گرایی سال آخر	۲۶۹	٪۶۸.۳	۱۲۲	٪۳۰.۹۵	۳	٪۰.۷۵		
رؤیابردازی سال اول	۳۶۳	٪۹۲	۱۸	٪۴.۵	۹	٪۲.۳	۴	٪۱
رؤیابردازی سال آخر	۳۵۲	٪۸۹.۳	۲۹	٪۷.۴	۶	٪۱.۵	۷	٪۱.۸
خلاقیت سال اول	۲۶۹	٪۶۸.۳	۱۲۱	٪۳۰.۷	۳	٪۰.۷۵	۱	٪۰.۲۵
خلاقیت سال آخر	۲۷۰	٪۶۸.۵۲	۱۱۵	٪۲۹.۲	۸	٪۲.۰۳	۱	٪۰.۲۵

بر اساس جدول ۲ در سال اول، در ویژگی سلاست فکری ۹۷/۲٪، در ویژگی عمل‌گرایی ۹۹/۷۵٪، در ویژگی رؤیابردازی ۹۶/۵٪ و در نهایت در ویژگی خلاقیت ۹۹٪ دانشجویان ضعیف و بسیار ضعیف هستند.

وضعیت این صفات در دانشجویان در سال آخر به این گونه است که در ویژگی سلاست فکری ۹۶/۵٪، در ویژگی عمل‌گرایی ۹۹/۲۵٪، در ویژگی رؤیابردازی ۹۶.۷٪ و در نهایت در ویژگی خلاقیت ۹۷/۷۲٪ دانشجویان ضعیف و بسیار ضعیف هستند. بنابراین، درصد بسیار بالایی از دانشجویان در دو دوره مورد ارزیابی، در ویژگی خلاقیت و زیر شاخه‌های آن ضعیف و بسیار ضعیف هستند.

برای تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون آماری t نتایج زیر به دست آمد:

جدول ۳: نتایج آزمون t بر اساس مقایسه ویژگی‌های دانشجویان در سال اول و سال آخر

ویژگی	میانگین	فراوانی	انحراف معیار	خطای معیار	t	سطح معناداری
سلاست فکری ^۱	۳۴/۱۲۴۴	۳۹۴	۸/۸۷۲۱۳	۰/۴۴۶۹۷	۳/۵۵	۰/۰۰۰
سلاست فکری ^۲	۳۳/۴۵۹۴	۳۹۴	۱۰/۲۵۹۹۶	۰/۵۱۶۸۹		
عمل‌گرایی ^۱	۲۲/۵۳۰۵	۳۹۴	۴/۲۰۸۹۶	۰/۲۱۲۰۴	۲/۵۸	۰/۰۱۰
عمل‌گرایی ^۲	۲۱/۷۹۴۴	۳۹۴	۵/۸۵۶۷۲	۰/۲۹۵۰۶		
رؤیابدازی ^۱	۱۳/۰۴۰۶	۳۹۴	۴/۸۳۰۸۱	۰/۲۴۳۳۷	۳/۴۸	۰/۰۰۱
رؤیابدازی ^۲	۱۲/۶۴۴۷	۳۹۴	۵/۴۸۵۱۸	۰/۲۷۶۳۴		
خلّاقیت ^۱	۶۹/۶۹۵۴	۳۹۴	۱۵/۵۲۱۴۳	۰/۷۸۱۹۶	۸/۸۸	۰/۰۰۰
خلّاقیت ^۲	۶۷/۶۲۹۴	۳۹۴	۱۹/۴۵۸۹۶	۰/۹۸۰۳۳		

۲ سال آخر

۱ سال اول

همان‌طور که جدول ۳ و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد، میانگین ویژگی‌های مورد مطالعه در دانشجویان در سال آخر به نسبت سال ابتدای ورود به دانشگاه‌ها کاهش داشته است. آزمون t وابسته نیز نشان می‌دهد که اختلاف مورد مشاهده در ویژگی‌های مورد مطالعه بین دو جامعه مورد پژوهش، با اطمینان ۹۹ درصد بسیار معنادار است.

میانگین ویژگی سلاست فکری دانشجویان در سال اول (۳۴/۱۲۴۴) و سال آخر (۳۳/۴۵۹۴)، میانگین ویژگی عمل‌گرایی دانشجویان در سال اول (۲۲/۵۳۰۵) و سال آخر (۲۱/۷۹۴۴)، میانگین ویژگی رؤیابدازی دانشجویان در سال اول (۱۳/۰۴۰۶) و سال آخر (۱۲/۶۴۴۷) و در نهایت میانگین ویژگی خلّاقیت در سال اول (۶۹/۶۹۵۴) و در سال آخر (۶۷/۶۲۹۴) همگی نشان می‌دهد که میزان خلّاقیت دانشجویان در سال آخر به نسبت سال اول کاهش یافته است و از نظر آماری اختلاف معنادار است هرچند که درصد فراوانی افراد قوی در ویژگی خلّاقیت از ۰.۷۵٪ به ۰.۵۳٪ می‌رسد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی و مقایسه ویژگی کارآفرینانه خلّاقیت در دانشجویان ورودی و خروجی دانشگاه‌های دولتی بود. نتایج به‌دست آمده از تحلیل داده‌های مربوط نشان می‌دهد که در خصوص وضعیت ویژگی سلاست فکری، بر اساس نتایج، اغلب دانشجویان در سال اول و همچنین در سال آخر در ویژگی سلاست فکری ضعیف و بسیار ضعیف هستند؛ که



این ضعف با نتایج شریف‌زاده و عبدالله‌زاده (۱۳۹۱) و مردانشاهی (۱۳۹۱) نیز همسویی دارد. هرچند از نظر فراوانی، کاهش جزئی میزان افراد ضعیف و بسیار ضعیف در سال آخر در این ویژگی مشاهده می‌شود، ولی مقایسه میانگین‌ها و نتیجه تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که ویژگی سلاست فکری در دانشجویان در سال آخر به نسبت سال اول کاهش یافته و میان دانشجویان ورودی و خروجی تفاوت آماری وجود دارد و سلاست فکری دانشجویان در انتهای دوره تحصیل در دانشگاه کاهش یافته است.

در ویژگی عمل‌گرایی نیز اکثر دانشجویان در سال اول و همچنین در سال آخر ضعیف و بسیار ضعیف هستند. که ضعف در این ویژگی نیز با نتایج شریف‌زاده و عبدالله‌زاده (۱۳۹۱) همسویی دارد. گرچه به ظاهر و از نظر فراوانی روند رو به بهبود، در این ویژگی مشاهده می‌شود، ولی مقایسه میانگین‌ها و نتیجه تجزیه و تحلیل آماری نشان می‌دهد که ویژگی عمل‌گرایی در دانشجویان در سال آخر به نسبت سال اول کاهش یافته و میان دانشجویان ورودی و خروجی تفاوت آماری وجود دارد.

از دیگر نتایج حاصله آن بود که دانشجویان در ویژگی رویاپردازی ضعیف اساسی دارند و اغلب آن‌ها چه در سال ابتدایی تحصیل و چه سال آخر تحصیل ضعیف و بسیار ضعیف هستند. که این نتیجه نیز با نتایج پژوهش شریف‌زاده و عبدالله‌زاده (۱۳۹۱) همسو است. هرچند که از نظر فراوانی ظاهراً تغییری اساسی و عمده‌ای میان این دو گروه انجام نشده است، ولی نتیجه تجزیه و تحلیل آماری حاکی از آن است که بین دو گروه مورد پژوهش اختلاف معناداری وجود دارد. مشاهده میانگین آن‌ها نیز نشان می‌دهد که، ویژگی رویاپردازی در دانشجویان، در سال آخر به نسبت سال اول کم‌تر شده است.

در نهایت بر اساس نتایج به دست آمده در مجموع که درصد بسیار بالایی از دانشجویان در دو دوره مورد ارزیابی، در ویژگی خلاقیت و زیر شاخه‌های آن ضعیف و بسیار ضعیف هستند که این امر با نتایج بدری (۱۳۸۴) و همچنین قاسم‌نژاد (۱۳۸۹) همسویی ندارد مبنی بر اینکه دانشجویان مورد مطالعه در دانشگاه آزاد تبریز از ویژگی خلاقیت بالاتر از میانگین بهره‌مند بودند. که این امر می‌تواند ناشی از اختلاف بین برنامه‌ها، شیوه و محیط آموزشی دانشگاه آزاد و دانشگاه دولتی و همچنین بین سرفصل‌ها و برنامه‌های آموزشی و کمک آموزشی رشته‌های کشاورزی با دیگر رشته‌ها باشد.

هرچند از نظر فراوانی، اختلاف چشمگیری میان دانشجویان در سال اول و در سال آخر تحصیل، بسیار ضعیف یا بسیار قوی در ویژگی خلاقیت، مشاهده نمی‌شود و بیشترین اختلاف از نظر فراوانی در دانشجویانی است که در این ویژگی در جایگاه ضعیف یا جایگاه قوی قرار داشتند، اما با این وجود مقایسه میانگین افراد ضعیف و بسیار ضعیف در این ویژگی نشان می‌دهد که میانگین دانشجویان در سال آخر کاهش چشمگیری داشته است. آزمون t نیز با تأیید این اختلاف نشان می‌دهد که بین دو جامعه مورد پژوهش اختلاف بسیار معناداری وجود دارد و بیان‌کننده آن است که میزان ویژگی خلاقیت در دانشجویان در سال آخر به نسبت دانشجویان در سال اول کم‌تر است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت، همان‌طور که قبلاً اشاره شد، خلاقیت به سه عامل؛ در حیطه خیالی (رؤیا پردازی)، در حوزه فکری (سلاست فکری) و در قلمرو عملی (عمل‌گرایی) تقسیم شده است.

ضعیف بودن دانشجویان در هر سه حیطه در پایان دوره تحصیل بیان‌کننده آن است که سرفصل‌های آموزشی و جهت‌گیری محتوی آموزشی متناسب با تغییرات علوم و فناوری و در جهت تقویت خلاقیت دانشجویان نبوده است. به این معنی که با توجه به نقش دانش به عنوان یکی از سه مهارت مؤثر بر خلاقیت (مهارت‌های مربوط به موضوع) مطابق با مدل فرایند خلاقیت آمابلی (سعیدی کیا، ۱۳۸۷)، انتظار بر این است که هر چه قدر سطح معلومات دانشجویان بالاتر رود به موازات آن سطح قابلیت‌های خلاقیت و کارآفرینی آن‌ها نیز افزایش یابد، اما مشاهده این فقدان توفیق در دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی در دانشگاه‌های متفاوت، اما دولتی نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی موجود در آموزش عالی برای پرورش ویژگی‌های خلاقیت و کارآفرینی تدوین نشده است و این برنامه‌ها مبتنی بر تفکر هم‌گرا و استادمحور بوده است (مرادی و شعبانعلی‌فمی، ۱۳۸۹). در حالی که برای شکل‌گیری و تقویت خلاقیت باید از تفکر واگرا و هم‌گرا متناسب با موضوع و نوع برنامه و مسئله به صورت توأم استفاده کرد.

اما ضعف دانشجویان در حیطه عملی نیز گویای آن است که دوره‌های عملی و مهارت‌آموزی شامل کارآموزی‌ها، پروژه‌ها، طرح‌های آزمایشگاهی و ... جدی گرفته نمی‌شود و در صورت اجرا هم، به صورتی کاربردی و متناسب با نیازها و تحولات بازار و کسب و کارها



نبوده و مهارت و انگیزه لازم برای بروز و تقویت خلاقیت در دانشجویان را مهیا نمی‌کند. به عبارتی دیگر به شاخص دیگر لازم برای بروز خلاقیت در دانشجویان، طبق مدل آمابلی (مهارت خلاقیت) نیز در این مراکز آموزش عالی توجه قرار نشده است. همان‌طور که نتایج پژوهش یعقوبی (۱۳۸۹) نیز گویای همین امر است و نشان داده است که مهم‌ترین تنگنای آموزش عالی در تربیت فارغ‌التحصیلان کارآفرین، مدرک‌گرایی مفرط و توجه نکردن دانشگاه‌ها به آموزش مهارت‌ها و فعالیت‌های عملی، استفاده از روش‌های سنتی و تنوع کم در محیط آموزشی است.

در مجموع نتایج به دست آمده گویای آن است که متأسفانه دانشگاه‌های مورد مطالعه نتوانستند در نیل به اهداف خود در بروز و بهبود ویژگی خلاقیت و زیر شاخه‌های این ویژگی به عنوان یکی از شاخصه‌های استعداد‌های کارآفرینانه موفق باشند.

همان‌طور که نتایج پژوهش نشان می‌دهد اغلب دانشجویان سال اول که در واقع برون‌داد نظام آموزش و پرورش لحاظ می‌شوند، در ویژگی خلاقیت ضعیف و بسیار ضعیف هستند. هر چند عوامل محیطی مؤثر بر ویژگی مورد مطالعه از جمله افزایش سن و تجربه دانشجویان، در عین حال تغییرات و تحولات اقتصادی و اجتماعی بروز یافته در جامعه کنترل‌ناپذیر بوده و بررسی نشده است، لیکن میزان و درصد فراوانی آن‌ها و مدت زمان تحصیل و حضور در نظام آموزش و پرورش، خود نشان از کم کارآمدی این نظام در امر توانمندسازی فراگیران در ویژگی مورد مطالعه دارد و ضرورت برنامه‌ریزی جدی و همه‌جانبه را بیش از پیش نمایان می‌کند. از سوی دیگر اغلب دانشجویان در سال آخر تحصیل (برون‌داد نظام آموزش عالی) نیز در ویژگی خلاقیت ضعیف و بسیار ضعیف هستند که بیان‌کننده آن است که دانشگاه‌های مورد مطالعه نیز به‌رغم انتظاری که از آن‌ها می‌رود، نتوانستند در تقویت این ویژگی موفق باشند و کاهش این ویژگی در برون‌داد آن‌ها مشاهده می‌شود. این امر به نوبه خود نشان دهنده فقدان موفقیت و ناکارآمدی برنامه‌های درسی دانشگاهی در رشد و پرورش قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان بوده و ضرورت تدوین و اجرای برنامه درسی خاصی را گوشزد می‌نماید که محور آن آموزش و توسعه قابلیت‌های یاد شده باشد (امینی و همکاران، ۱۳۹۱). این در حالی است که مدارس و دانشگاه‌ها به دلیل نقش خود در تغییرات مستمر و مؤثر بر جامعه باید پیشگام تحولات باشند و بتواند با یک استراتژی منسجم زمینه‌های تقویت و بروز ویژگی خلاقیت و در

نهایت تربیت و ظهور کارآفرینان را فراهم کند. همان‌طور که نتایج پژوهشی با عنوان «میزان انگیزه و خلاقیت در کارآفرینی دانشجویان علمی - کاربردی و نقش اساتید در ایجاد انگیزه کارآفرینی در دانشجویان» حاکی از آن است که دانشجویانی که انگیزش کافی دارند، به کار و کارآفرینی و بروز کارهای خلاقانه گرایش نشان می‌دهند و می‌توانند بیش از دانشجویانی که انگیزه کافی ندارند ایده‌های نو ارائه بدهند. دیگر اینکه آموزش، یکی از عوامل مهم در ایجاد تفکر و انگیزه کارآفرینی در سازمان‌های آموزشی است. و برای بالا بردن سطح علمی و دانش فنی دانشجویان برای ورود به جامعه کاری ضروری است (مشایخی و همکاران، ۱۳۸۷)، مدارس و دانشگاه‌ها باید به این باور برسند که به‌عنوان یک سیستم اجتماعی، در صورت انعطاف‌ناپذیری و سازگاری با محیط پیرامون، بقا و اثربخشی خود را از دست خواهند داد و از سوی دیگر در نیل به هدف اصلی خود، همان پیشروی و هدایت‌گری جوامع، ناکام می‌مانند.

پیشنهادات برخاسته از این پژوهش عبارت هستند از:

- با توجه به نتایج حاصله پیشنهاد می‌شود سرفصل‌های آموزشی و جهت‌گیری محتوی آموزشی در جهت تقویت حوزه فکری (سلاست فکری) و مهارت مربوط به موضوع اصلاح و تدوین شود و در روش‌های تدریس و آموزش، ضمن استفاده از روش‌های نوین تدریس و مشارکت دادن دانشجویان، روش‌های بهره‌گیری از تفکر واگرا و هم‌گرا نیز آموزش داده شده و در تدریس نیز به کار گرفته شود.
- با توجه به نتایج حاصله پیشنهاد می‌شود به‌منظور تقویت حیطة خیالی و مهارت خلاقیت مباحث و روش‌های پرورش و بروز خلاقیت به صورت واحدی مستقل درسی یا به‌عنوان سرفصلی از سرفصل‌های دروس، در واحدهای آموزشی جای گیرد تا دانشجویان و دانش‌آموزان با تکنیک‌ها و روش‌های پرورش مهارت خلاقیت آشنا و توانمند شوند.
- به‌منظور تقویت قلمرو عملی (عمل‌گرایی)، آموزش‌های عملی و کارگاهی بیش از پیش جدی گرفته شود و در اجرای آن از روش‌های سنتی پرهیز شود و با ارتباط نزدیک‌تر دانشگاه‌ها با جامعه و صنعت دوره‌های عملی، کاربردی و متناسب با نیاز جامعه طراحی و اجرا شود.
- دوره آموزشی و بازآموزی برای مدرسان دانشگاه فراهم شود تا آن‌ها نیز



روش‌های نوین و راهکارهای تغییر نگرش و آموزش تفکر خلاق را فراگیرند و در تدریس به‌کارگیرند.

- با بررسی تأثیر آموزش‌های کوتاه مدت مباحث خلاقیت بر نگرش شرکت‌کنندگان در این دوره‌ها، برنامه‌های آموزشی مربوطه به صورت جدی و در کلیه سطوح تحصیلی پیش از دانشگاه و در سطح مدارس طراحی و اجرا شود.
- به‌منظور ترویج فرهنگ کارآفرینی و بهبود ویژگی خلاقیت، ضمن برنامه‌ریزی و هماهنگی با رسانه‌های عمومی، برنامه‌های آموزشی و ترویجی لازم اجرا شود.
- پژوهش‌های مشابهی در خصوص دلایل هر یک از نتایج به‌دست آمده اجرا شود تا ضمن شناسایی عوامل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مؤثر یا موانع بروز خلاقیت، راهکارها و مدل‌های مناسب پیشنهاد شود. همچنین در خصوص شیوه‌های تدریس و ابزار و تجهیزات کمک آموزشی مؤثر در بروز خلاقیت، پژوهش و شیوه مؤثر پیشنهاد شود.

منابع

- احمدپور داریانی، محمود و عزیزی، محمد (۱۳۸۳). کارآفرینی؛ تعاریف، نظریات و الگوها، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی و هنری محراب قلم.
- امینی، محمد، تمنایی فر، محمد رضا و غلامی علوی، صدیقه (۱۳۹۱). «ارزیابی قابلیت‌های کارآفرینی دختران دانشجو»، فصلنامه زن و جامعه، سال سوم، شماره چهارم، ص ۱۱۵ - ۱۳۷.
- امینی، محمد، تمنایی فر، محمد رضا و غلامی علوی، صدیقه (۱۳۹۲). «ارزیابی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان، بازاندیشی در ماموریت‌های برنامه درسی آموزش عالی»، فصلنامه توسعه کارآفرینی، دوره ششم، شماره اول، ص ۱۴۵ - ۱۶۴.
- بدری، احسان (۱۳۸۴). «بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان» پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- تسیب سازان، رضا (۱۳۸۰). «روان‌شناسی رشد خلاقیت و ارتباط آن با شخصیت و هوش»، مجله رهیافت، ش ۲۶، ص ۱۷ - ۳۰.
- جعفری مقدم، سعید و اعتمادی، کاوه (۱۳۸۸). «ارزیابی مقایسه‌ای نگرش‌های کارآفرینانه دانشجویان»، فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره چهارم، ص ۱۶۳ - ۱۸۲.
- ذبیحی، محمد رضا و مقدسی، علیرضا (۱۳۸۵). کارآفرینی از تئوری تا عمل، چاپ اول، تهران: جهان فردا.
- زالی، محمد رضا (۱۳۸۴). «ارزیابی مشخصه‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه مازندران»، مرکز کارآفرینی دانشگاه مازندران، مازندران.
- سعیدی کیا، مهدی (۱۳۸۷). اصول و مبانی کارآفرینی، تهران: کیا.
- شریف زاده، فتاح، رضوی، سید مصطفی، زاهدی، شمس السادات و نجاری، رضا (۱۳۸۸)، «طراحی و تبیین الگوی عوامل موثر بر کارآفرینی دانشگاهی»، فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال دوم، شماره ششم، ص ۱۲.
- شریف زاده، ابوالقاسم و عبدالله زاده، غلامحسین (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین سبک‌های یادگیری و خصایص کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۶۴، صص ۱۵۲ - ۱۳۱.

طیبه، سید کمیل و فخری، مریم (۱۳۸۹). «آثار جهانی شدن و تجارت بین الملل بر توسعه کارآفرینی»، فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال سوم، شماره نهم، صص ۳۷-۵۵.

قاسم نژاد مقدم، نیما (۱۳۸۹). «ارزیابی میزان کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی»، فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، سال اول، شماره اول، زمستان، صص ۱-۲۰.

کرباسی، علی، ولدخانی، محمد، شرافت، مهرداد و عظیم زادگان، حامد (۱۳۸۱). «مروری بر ادبیات کارآفرینی»، فصلنامه صنایع، سال ۱۳۸۱ شماره ۳۳، صص ۲۷-۳۲.

کرد نائیج، اسد اله، زالی، محمد رضا، هومن، حیدرعلی و شمس، شهاب‌الدین (۱۳۸۶). *ابزار سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی*، چاپ اول، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

کرمی دارابخانی، رویا، آگهی، حسین، شیری، نعمت اله و غلامی، مصیب (۱۳۹۱). «نقش سبک‌های تفکر در خلاقیت دانشجویان کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه»، فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، سال دوم، شماره اول، تابستان، صص ۵۹-۸۵.

مرادی، حوریه و شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۸۹). «شناسایی قابلیت‌های کارآفرینی (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه کشاورزی رامین اهواز)»، فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال دوم، شماره هشتم، صص ۱۴۱-۱۶۳.

مردانشاهی، محمد مهدی (۱۳۹۱). «بررسی ویژگی شخصیتی خلاقیت در دانشجویان رشته پرستاری (مطالعه موردی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی مازندران)». سیزدهمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی، صص ۵۱.

مشایخی، کریم، تاج آبادی، رضا و مردای نژاد، امیر (۱۳۸۷). «میزان انگیزه و خلاقیت در کارآفرینی دانشجویان علمی کاربردی و نقش اساتید در ایجاد انگیزه در کارآفرینی دانشجویان» اولین همایش ملی توسعه کارآفرینی در آموزش‌های علمی و کاربردی کشاورزی. دی‌ماه، ایران، مشهد.

مشبکی، اصغر (۱۳۸۰). «خلاقیت: استعداد قابل پرورش در افراد و سازمان» رهیافت، ش ۲۶.

هیگینز، جیفرام (۱۳۸۱). کارآفرینی: ۱۰۱ تکنیک حل خلاق مسأله. ترجمه محمود احمدپور داریانی. تهران. امیر کبیر.

یعقوبی، جعفر (۱۳۸۹). «بررسی عوامل بازدارنده کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی و ارایه‌ی ساز و کارهایی برای تقویت آن»، فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال دوم، شماره

هشتم، ص ۱۲۱-۱۴۱.

- Collins, L., Hannon, P.D. & Smith, A. (2004). "Enacting entrepreneurial intent: the gaps between student needs and higher education capability". *Education+ training*, 46(8/9), 454-463.
- Engle, R.L. Dimitriadi, N. Gavidia, J.V. Schlaegel, C. Delanoe, S. Alvarado, I. He, X. Buame, S. & Wolf, B. (2010). "Entrepreneurial intent: A twelve-country evaluation of Ajzen model of planned behavior" *international journal of entrepreneurial behavior and research*, 16(1), 35-57.
- Furnham, A. & Bachtiar, V. (2008). " Personality and intelligence as predictors of creativity", *Personality and Individual Differences*, 45 (7), 613-617.
- Gurol, Y. & Atsan, N. (2006). "Entrepreneurial characteristics amongst university students some insights for entrepreneurship education and training in Turkey", *Education & training*, 48(1), 25-38.
- Holt David (2002), *Entrepreneurship: New venture Creation*, New Dehli: prentice-Hall
- Kruzic, D. & Pavic, I. (2010). " Students' Entrepreneurial characteristics: Empirical Evidence from Croatia ", *The Business Review*, Cambridge, 14(2), 216-221.
- Matviuk, S.G. (2010). " A Study of Peruvian Entrepreneurs Leadership Expectations ", *Journal of American Academy of Business*, 16(1), 65-70.
- Sookhtanlo, M. Rezvanfar, A. Hashemi, S. M. (2009). " Psychological Capabilities Affecting Agricultural Students Entrepreneurship Level: A Comparative Study ", *Research Journal of Agricultural and Biological Sciences*, 5(2).
- Zimmerer, T. & Scarborough, N. (2005). *Essentials of entrepreneurship and small business management*. New Jersey: Pearson Prentice Hall.